

رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و اثربخشی نیروی انتظامی

(مورد مطالعه: شهر یاسوج)

دکتر علی‌رضا شیروانی^۱ و اسلام حسینی مطلق^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۲/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر وارد حوزه اجتماعی شده است. هدف این مقاله بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج از طریق شناخت میزان قدرت پیش‌بینی متغیر سرمایه اجتماعی بر نوسانات اثربخشی می‌باشد.

روش: این مطالعه به صورت پیمایشی در بین ۱۵۲۴ نفر از شهروندان شهر یاسوج بر اساس مناطق چهارگانه کلانتری‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ انجام گرفته است. واحد تحلیل در این تحقیق فرد بوده که با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. همچنین روش تحقیق در این مطالعه پیمایشی بوده است. در این تحقیق سرمایه اجتماعی با معرف‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه، احساس هویت، احساس امنیت، و اثربخشی با استفاده از رویکردهای نیل به هدف اندازه‌گیری شده است. برای تحلیل داده‌ها از ضریب پیرسون و رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است و ابزار مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه بوده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد به طور کلی بین سرمایه اجتماعی و اثربخشی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان سرمایه اجتماعی در میان جامعه و افراد افزایش یابد، میزان اثر بخشی نیروی انتظامی افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یعنی هر قدر میزان سرمایه اجتماعی در میان جامعه و افراد افزایش یابد، میزان جرم کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اثربخشی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه، احساس هویت، احساس امنیت، رویکرد نیل به هدف.

□ استناد: شیروانی، علی‌رضا؛ حسینی مطلق، اسلام (بهار، ۱۳۹۳). رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و اثربخشی نیروی انتظامی (مورد مطالعه: شهر

یاسوج). فصلنامه مطالعات مدیریت/انتظامی، ۹(۱)، ۷۹-۱۰۷.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (نویسنده مسؤول) Email: Baleandisheh@hotmail.com

۲. کارشناس ارشد رشته مدیریت دولتی

مقدمه

سرمایه اجتماعی، موضوعی بین رشته‌ای است که نقش کارکردی آن تسهیل ارتباطات انسانی است. سرمایه اجتماعی دربرگیرنده موجودیت‌های مختلفی است که تمامی آنها در دو عنصر مشترک هستند: همه آنها جنبه ایی از ساخت اجتماعی را در خود داشته و کنش معینی از کنشگران را در درون این ساختار تسهیل می‌کنند (شارع پور، ۴۵: ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی همانند دیگر اشکال سرمایه مولد است. سرمایه اجتماعی در ساختار روابط میان کنشگران موجود است. جیمز کلمن مجموعه‌های مختلفی از کنش‌ها، پیامدها و روابط را سرمایه اجتماعی می‌نامد. از نظر او سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که به مردم و نهادها امکان عمل می‌دهد. سرانجام این که سرمایه اجتماعی از نظر کلمن به لحاظ هنجاری و اخلاقی خنثی است؛ یعنی نه مطلوب است و نه نامطلوب. و صرفاً با فراهم کردن منابع لازم، وقوع کنش‌ها را امکان پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. اما به نظر فوکویاما مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱).

سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم نوظهور در جامعه‌شناسی است که اصولاً یک بحث اجتماعی است که به حوزه علوم اقتصادی و علوم سیاسی و مدیریتی کشانده شده است. منظور از آن سرمایه‌هایی است که افراد و یا گروه‌ها از طریق تعامل با یکدیگر به دست می‌آورند. انسان یک موجود اجتماعی است و ناچار به برقراری ارتباط است و لزوماً با اطرافیان خود دارای پیوندهایی می‌باشد و کیفیت این پیوند و ارتباط تعیین کننده نوع زندگی آنها در حال و آینده می‌باشد. سرمایه اجتماعی دارای ابعاد متعددی همچون اعتماد، آگاهی، توجه به امور عمومی، مشارکت‌های رسمی و غیر رسمی می‌باشد. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی است که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند.

مفهوم سرمایه اجتماعی در برگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، مشارکت و احساس امنیت و هویت میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را به

سوی دستیابی به هدف ارزشمند هدایت می‌کند. از این رو شناخت سرمایه اجتماعی می‌تواند جوامع را در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع گردد. سرمایه اجتماعی اگر چه مفهومی نوین و نو پا در عرصه مطالعات اجتماعی است اما این مفهوم ریشه در روابط نوع بشر دارد. امروزه این امر مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان شمول و بستر مناسب برای زیست اجتماعی تنها با وجود سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی از طریق جریان‌های اطلاع رسانی مثل آموزش مربوط به مشاغل، تبادل عقاید، تبادل اطلاعات هنجارهای مربوط به معاملات در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت‌های مردمی، گروه‌های خود یاری، روحیه جمع گرایی در برابر فرد گرایی و نوع دوستی شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی در بین گروه‌های دوستی، همسایگان، هم مسلکان، هم مدرسه ای‌ها، اعضای کلوپ‌های ورزشی و.. قابل مشاهده است. در کل می‌توان سرمایه اجتماعی را زیربنا و زمینه ساز اصلی فرایند مدرنیزاسیون دانست، پس به دلیل قرار داشتن کشور ما در حالت گذار و ضرورت برنامه ریزی‌های همه جانبه به منظور دستیابی به توسعه پایدار و عبور از حالت گذار و رسیدن به یک ثبات نسبی و واقعی، شناخت میزان و نوع سرمایه اجتماعی و به کارگیری عواملی که سبب افزایش این متغیر اجتماعی می‌شود، لازم است.

به طور سنتی وجود سه نوع سرمایه (طبیعی، فیزیکی و سرمایه انسانی) در کنار یکدیگر، مبنایی برای توسعه و افزایش عملکرد فرض می‌شده است. ولی امروزه پی برده‌اند که توسعه هر جامعه در گرو افزایش سطح سرمایه اجتماعی سازمان‌ها و نهادهای فعال در آن است. سرمایه اجتماعی با مفهوم عدالت و اخلاق ارتباط داشته و همچنین با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه جامعه به ویژه در سازمان‌های اجتماعی، لازم است که این مفهوم شناسایی شود و در جهت پیشبرد آرمان‌های سازمان مورد استفاده قرار گیرد سرمایه اجتماعی در برگیرنده ویژگی سازمان اجتماعی، از حیث ماهیت شبکه‌ها، هنجارها و مراتب اعتماد اجتماعی است که همکاری و هماهنگی دو جانبه را تسهیل می‌کند.

سرمایه اجتماعی مفهومی پیچیده و مهم است که امروزه به عنوان یکی از مهم ترین شاخص‌های رشد و توسعه در هر جامعه‌ای مطرح است. به طور کلی سرمایه اجتماعی منبع موجود در تعاملات

اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه است که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ جامعه و همبستگی در آن کمک می‌کند. شرط لازم برای پیشرفت جامعه، توسعه همه جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل سرمایه اجتماعی است که متأسفانه در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه مانند ایران، کمتر به این مقوله توجه می‌شود. این در حالی است که افول بیش از حد سرمایه اجتماعی در هر کشوری به طور حتم، جامعه را با مشکلات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی روبرو می‌سازد.

در رتبه بندی استان‌ها از لحاظ تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی که توسط سعادت (۱۳۸۲) انجام گرفت؛ استان کهگیلویه و بویر احمد رتبه ۱۳ در میان استان‌ها و نسبتاً متوسط را نشان می‌دهد (سعادت، ۱۳۸۲: ۱۷). در مطالعه دیگری توسط عبدالهی در سال ۱۳۸۶، در زمینه میانگین سرمایه اجتماعی در هریک از استان‌های کشور، شهر یاسوج از بین ۳۰ استان رتبه ۵ را دارا می‌باشد (عبدالهی، ۱۳۸۲: ۲۵). لذا استان کهگیلویه و بویر احمد سطح بالای سرمایه اجتماعی را طبق تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد. مطابق این آمار انتظار می‌رود آمار جرائم در این استان به دلیل سرمایه اجتماعی بالا کم باشد، لیکن افزایش آمارهای جرم و جنایت، نشانی از افول سرمایه اجتماعی در این استان می‌باشد.

در مجموع، جرم و به طور کلی نابهنجاری یکی از مواردی است که در ادبیات نظری سرمایه اجتماعی متأثر از سرمایه اجتماعی دانسته شده است، و تحقیقات متعددی نیز در این زمینه انجام گرفته است و نتیجه کلی آنها نشانگر تأثیر کاهنده سرمایه اجتماعی بر میزان وقوع جرم می‌باشد (میسنر ۲۰۰۴: ۳۴).

سرمایه اجتماعی به عنوان یک عامل محیطی بسیار مؤثر است، پس نیروی انتظامی در دستیابی به آرمان‌های خود و برقراری نظم و آرامش نیازمند حمایت‌های مردمی است. این سازمان بدون جلب مشارکت و حمایت مردمی قادر نخواهد بود در مبارزه با منکرات و فساد اجتماعی، کشف جرایم و .. به گونه ای کارا و اثربخش عمل نماید. با سرمایه اجتماعی است که اعتماد عمومی

شکل می‌گیرد و این مشارکت و اعتماد عمومی به این سازمان کمک خواهد کرد که در جهت آرمان‌های خود موفق عمل کند؛ بنابر این می‌توان گفت که نیروی انتظامی از طریق ایجاد مسولیت اجتماعی، یگانگی و وحدت با جامعه و پایبندی به اصول اخلاقی می‌تواند بر ضایعه کاهش اعتماد شهروندان غلبه کند و فضای سرشار از اعتماد و اطمینان را ایجاد کند.

نیروی انتظامی به عنوان یک سازمان با محیط اجتماعی پیرامون خویش در تعامل است. تغییرات محیطی می‌تواند در این سازمان تأثیر بگذارد، و بر عکس نیروی انتظامی جهت به کارگیری خلاقیت و نوآوری در فعالیتهای خویش و همچنین برای اجتناب از عملکردهای انفعالی، نیازمند ابتکار عمل است تا بدین طرق فعالیتهای خویش را به گونه‌ای درآورد تا بتواند بر محیط خارجی سازمان اعمال نفوذ کند و از این طریق سرنوشت خویش را رقم زده و آینده خویش را تحت کنترل درآورد. اگر شهروندان به دولت و سازمان (ناجا) اعتماد کافی داشته باشند و در زمینه مقابله و مبارزه با هر نوع شورش و تروریسم و دیگر اقدامات بر هم زننده نظم عمومی همکاری لازم را به عمل آورند، اثربخشی و اهداف نیروی انتظامی دو چندان خواهد شد و برعکس در صورت عدم همکاری نیروی انتظامی قادر به اجرای وظایف خود نخواهد بود. کیفیت همکاری شهروندان در گرو سرمایه اجتماعی آنها می‌باشد. حال سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا شاخص‌های سرمایه اجتماعی مورد نظر بر اثربخشی اثرگذار هست یا خیر یا واقعا این سرمایه اجتماعی است که ارتکاب به جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ که اهداف تحقیق شامل؛

اهداف اصلی: ۱- بررسی میزان سرمایه اجتماعی شهروندان شهر یاسوج ۲- بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی شهروندان بر اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج ۳- بررسی میزان اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج

اهداف فرعی:

- ۱- بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی شهروندان بر اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج
- ۲- بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی شهروندان بر اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج
- ۳- بررسی تأثیر انجام فعالیت‌های داوطلبانه شهروندان بر اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج
- ۴- بررسی تأثیر احساس هویت شهروندان بر اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج

۵- بررسی تأثیر احساس امنیت شهروندان بر اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج

مبانی نظری تحقیق

پیشینه تحقیق:

ناهایپیت و گوشال در تحقیق خود با عنوان سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری و مزیت سازمانی در سال ۱۹۹۸ مدلی را با سه بعد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی برای سرمایه اجتماعی معرفی و بین ابعاد سرمایه اجتماعی، پدید آمدن سرمایه فکری و عملکرد سطح اجرایی سازمان ارتباط نظری برقرار کرده‌اند (فیضی و دیگری، ۲۲۵: ۱۳۸۷).

لینا و ون برن در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و عملکرد کارکنان در سال ۱۹۹۹ ضمن تشریح شیوه‌های مؤثر بر روابط، هنجارها و نقش‌ها بر سرمایه اجتماعی سازمانی، منافع و هزینه‌های بالقوه سرمایه اجتماعی را توضیح می‌دهند.

راب و زمسکی در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی، فرهنگ مشارکتی و شدت انگیزش اعتقاد دارند مطلوبیت همکاری به میزان همکاری دیگران در گذشته و شدت انگیزش شرکت وابسته است، در نتیجه همکاری نیروی کار (سرمایه اجتماعی) فرآیند پویایی را دنبال می‌کند که در آن شدت انگیزش به عنوان متغیر کنترل کننده عمل می‌کند (فیضی و دیگری، ۲۲۶: ۱۳۸۷).

لسر و استورک^۱ در سال ۲۰۰۱ در پژوهشی به نام گروه‌های حرفه‌ای و عملکرد سازمانی، گروه‌های حرفه‌ای را به عنوان موتور توسعه سرمایه اجتماعی تلقی کرده‌اند (لسر و استورک، ۲۰۰۱).

رایت^۲ و همکارانش (۲۰۰۱) رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و رفتارهای بزهکارانه را بررسی کرده‌اند. داده‌های اولیه آنان از پیمایش ملی جوانان استخراج شده است. سن پاسخگویان ۱۱ تا ۲۴ سال می‌باشد. با استناد به نظریه کلمن یافته‌های آنان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی خانوادگی در طول زمان میزان بزهکاری را کاهش می‌دهد و تأثیرات بد رفتاری را تعدیل می‌کند. همچنین تلاش والدین بر حسب مدت زمان صرف شده و میزان توجه آنان احتمال ارتکاب

1. Lasser & stork

2. Wright

رفتارهای بزهکارانه و جامعه‌پذیری توسط همسالان بزهکار را کاهش می‌دهد. آنها همچنان نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی خانواده کنش متقابل و سطح وظایف را افزایش می‌دهد ولی اساساً بر کنترل اجتماعی غیر رسمی فراهم می‌سازد. در این تحقیق هر چند که نتایج یکسانی حاصل نشده، اما گتی و همکارانش نتیجه می‌گیرند که سطح بالایی از تعهدات مدنی ممکن است همگرایی اجتماعی بچه‌ها را تسهیل کرده و از گسترش رفتارهای بزهکارانه آنها جلوگیری کند. آنها بر روی جنبه حمایتی یک بخش خاص اجتماعی و رابطه این متغیر با تئوری‌های کنترل تأکید دارند.

محقق به نام گرلی در سال ۹۹۷ در پژوهشی تحت عنوان (ساختارهای دینی به عنوان منابع سرمایه اجتماعی) اشاره می‌کند که گروه‌های دینی در واقع شبکه‌های ارتباطی هستند که برای اعضای خود هنجارها و نقش‌هایی را ترسیم می‌سازند، اما این هنجارها و تصورات ضرورتاً برگرفته از ایدئولوژی دینی نیستند. بنابراین رفتارها و باورهای دینی دقیقاً نتیجه و پیامد منطقی عضویت در گروه‌های دینی هستند. گرلی از مفهوم سرمایه اجتماعی کلمن برای تبیین تأثیر ساختارهای مذهب بر نوعی همکاری مدنی و پدیده داوطلب بودن استفاده می‌کند. او سرمایه اجتماعی را یک منبع قابل دسترسی در ساختارهای اجتماعی می‌داند که به کنشگران کمک می‌کند به آسانی اهداف معینی را دنبال کنند. گرلی بر اساس تعریف کلمن شرح می‌دهد که چگونه ساختارهای دینی سرمایه‌های اجتماعی را تولید و ترکیب می‌کنند. یافته‌های او نشان می‌دهد که ساختارهای دینی سرمایه اجتماعی را تولید می‌کند. حضور در کلیسا و تعلق به سازمان‌های دینی تأثیر مستقیمی بر داوطلب شدن دارد و چگونه این ساختارها خود عمل داوطلب شدن را هدایت می‌کنند.

چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق:

برای شفاف شدن موضوع و بررسی بهتر متغیرهای مستقل تحقیق، در اینجا جدولی ترسیم و ارائه نموده‌ایم که ابعاد اصلی و فرعی متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (اثربخشی) را نشان داده‌ایم.

جدول ۱: ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و نظریه‌های به کار برده شده در چارچوب نظری:

ابعاد فرعی ۲	ابعاد فرعی ۱	سازه
۱- اعتماد بین شخصی	اعتماد اجتماعی (کلمن و فوکویاما، پوتنام)	سرمایه اجتماعی
۲- اعتماد تعمیم یافته		
۱- حمایت عاطفی	مشارکت اجتماعی (فوکویاما، کلمن) (شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه، احساس هویت و امنیت) (کلمن و دورکیم، فوکویاما، پوتنام، لین، پورتس، و پیشینه تحقیق) روابط متقابل (فوکویاما، بوردیو، ساترلند)	
معامله به مثل (همکاری و همیاری) فوکویاما)		
۲- حمایت اقتصادی		
وساطت اجتماعی (لین)		
۱- روابط همسایگی (بوردیو)	استیفن رایبیز	اثربخشی)
۲- روابط دوستان (بوردیو)		
۳- روابط خانوادگی و خویشاوندی (فوکویاما)		
تجزیه و تحلیل سی عامل (محتوایی)	استیفن رایبیز	اثربخشی)
۲- با تاکید بر رویکرد نیل به هدف		

سرمایه: سرمایه ثروتی است مولد درآمد یا منبعی که شخص می‌تواند جهت ایجاد درآمد یا منابع اضافی دیگر بکار برد. در اقتصاد سیاسی مارکس، سرمایه را به عنوان کار حجیم یا انباشته تعریف می‌کند که در مناسبات اجتماعی ایجاد شده و برای انباشت بیشتر ثروت به کار گرفته می‌شود؛ بوردیو نیز سرمایه را کار انباشته تعریف می‌کند. به نظر آلبرو، اندیشه‌ای که در پس مفهوم اصلی سرمایه نهفته است؛ حتی در معنای مالی اولیه‌اش، مفهوم ارزشی است که می‌تواند اساس ارزش‌های آینده باشد (آلبرو، ۱۳۸۰: ۲۸).

دریافت بوردیو از سرمایه وسیع‌تر از معنای پول و سرمایه در اقتصاد است؛ سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکل پولی و غیرپولی و همچنین ملموس و غیرملموس، به خود گیرد. بنابراین به نظر بوردیو، سرمایه، منبعی است که در عرصه خاصی اثر گذار بوده و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن، بدست آورد (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۱). وقتی واژه سرمایه را در عرصه‌های دیگر به کار می‌بریم چیزی دیرپا یا ماندگار را می‌سازد و این سرمایه همچنین رساننده چیزی است که هویت خود را حتی پس از استفاده مکرر حفظ می‌کند،

چیزی است که می‌توان بارها آن را به کار برد، نابود کرد و به دست آورد یا بهبود بخشید. پرسش هایی که طبیعتاً درباره سایر اشکال سرمایه پیش می‌آید عبارتند از اینکه: چه خدماتی از طریق سرمایه حاصل می‌شود؟ خدمات سرمایه چگونه اندازه‌گیری و ارزیابی می‌شود؟ چه کسی سرمایه را کنترل می‌کند، یا سرمایه کجا قرار می‌گیرد؟

انواع سرمایه اجتماعی

در گزارش توسعه آسیا در سال ۲۰۰۲ ولکوک و اسوتر^۱ در مقاله خود برای سادگی و فهم بهتر سرمایه اجتماعی آن را به سه نوع تقلیل دادند و اخیراً این دسته بندی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرید. ما هم برای شفاف شدن مفهوم سرمایه اجتماعی با ترسیم شکل آن به اختصار انواع آن را بیان می‌کنیم.

- سرمایه اجتماعی درون گروهی^۲: که به « پیوستگی^۳ اجتماعی» تعبیر شده است. که به رابطه‌های خویشاوندی و نسبی و گروه‌های همگن توجه دارد. این گروه‌ها هویت مشترک دارند و روابط آنها بسیار صمیمی هستند مانند گروه‌های قومی، روابط خانوادگی و دوستی (ولکاک ۴۳: ۲۰۰۴). پوتنام نیز در این مورد می‌افزاید به ارتباطات میان افرادی که احساس نزدیکی با یکدیگر می‌کنند به دلیل مشارکت در ویژگی‌هایی از قبیل طبقه، نژاد، جغرافیا گفته می‌شود (پاتنام، ۱۲۵: ۲۰۰۰). عده‌ای از این نوع سرمایه اجتماعی با نام غیر رسمی یا پیوندی^۴ (یا درون گروهی) نام می‌برند، در برخی مطالعات مانند استون و هیوز، از این سطح سرمایه اجتماعی با عنوان غیر رسمی یاد می‌کنند. (استون و هیوز، ۲۰۰۲ به نقل از شارع پور و دیگران ۶۲: ۱۳۸۶)

- سرمایه اجتماعی آوندی (یا برون گروهی^۵): این روابط به روغن^۶ اجتماعی تعبیر شده است، یعنی روان کننده روابط است که بعضی از پژوهشگران با نام تعمیم یافته و آوندی از آن یاد

1. woolcock & sweeter

2. bonding

3. glue

4. bonding

5. brinding

6. oil

می‌کنند. روابط در این دسته ضعیف‌تر از روابط درون گروهی می‌باشد و گروه‌ها نا همگن هستند. به عنوان مثال ارتباطات شغلی و آشنایی‌ها در این دسته قرار می‌گیرد (ولکوک ۳۳: ۲۰۰۴). پوتنام این روابط را به شبکه‌های اجتماعی در میان گروه‌های نا همگن مردم توصیف می‌کند (پاتنام، ۱۲۵: ۲۰۰۲). همچنین این نوع سرمایه اجتماعی در میان افرادی رواج دارد که روابط دوستانه و خصوصیات مشترک کمتری میان آنها حاکم است، مثل اعضای گروه اجتماعی و سیاسی یا عموم مردم که لزوماً از یک اندیشه و گروه فکری خاصی پیروی نمی‌کنند (استون و هیوز، ۲۰۰۲، به نقل از شارن پور و دیگران ۶۲: ۱۳۸۶). چرا که سطح تحلیل از افراد نزدیک و صمیمی، به کل افراد اجتماع تعمیم یافته است.

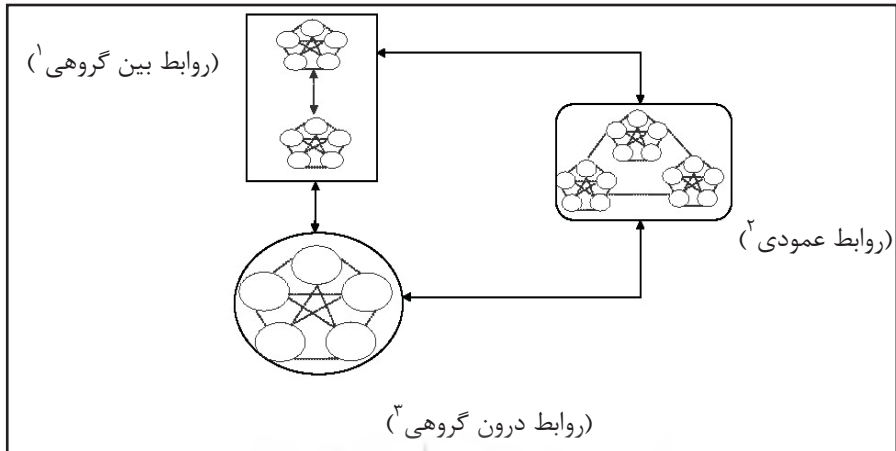
سرمایه اجتماعی هم‌اوندی^۴: به روابط عمومی منطبق بر قدرت و اقتدار گفته می‌شود روابطی که رسمی و مبتنی بر اقتدار و قدرت نهادی است (ولکوک ۳۳: ۲۰۰۴). سرمایه اجتماعی در سطح میانی که به سرمایه اجتماعی هم‌اوندی نیز معروف است، شامل پیوندها و روابط عمومی است. به عنوان مثال به روابط حاکم میان اعضای گروه‌ها، سازمان‌ها و بنگاه‌ها می‌پردازد، هنجارهایی مثل احترام هم در این دسته جای دارند.

تقسیم سرمایه اجتماعی به این سه جز یک تقسیم بندی نسبتاً جدیدی است این تقسیم بندی توسط ولکوک و اسوتر ابداع شد و لی بعدها به عنوان یک چارچوب مفهومی مورد استفاده محققان قرار گرفت، در شکل زیر سه جز سرمایه اجتماعی نشان داده شده است.

رتال جامع علوم انسانی

-
1. Acquaintances
 2. putnam
 3. Stone & hughes
 4. Linking

شکل ۱: انواع سرمایه اجتماعی



منبع: (ولکوک و اسوتر ۲۰۰۴: ۳۳)

سطوح سرمایه اجتماعی

در یک تقسیم بندی، سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد مطالعه قرار داد.

سطح خرد: در سطح خرد، سرمایه اجتماعی ناظر بر رفتار شبکه‌ای از افراد و خانوارهاست و بر اساس میزان صمیمیت حاکم بر روابط افراد، به دو نوع غیر رسمی (پیوندی یا درون گروهی) و تعمیم یافته (آوندی یا تعمیم یافته) تقسیم می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری در سطح تحلیل خرد جای می‌گیرند که اشاره به نقش سازمان‌های افقی و شبکه‌های اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را توسعه می‌دهند (نزهاد و دیگران، ۲۰۰۷: ۸)^۵

سطح میانه: در سطح میانی سرمایه اجتماعی هم جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی را داراست و هم کنش‌های خاص کنشگران را درون سیستم یا ساختار اجتماعی تسهیل می‌کند. این مفهوم

1. Bonding SC
2. Linking SC
3. Brinding SC
4. Micro level
5. Nezhad et al

ارتباطات افقی و عمودی را شامل می‌شود و سازمان‌ها و روابط بینابینی آنها اعم از باشگاه‌ها، انجمن‌ها، شرکت‌ها، احزاب و سازمان‌های مردم نهاد در زمره آن قرار می‌گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی بین گروه‌هایی که کار مشارکتی می‌کنند وجود دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۲).

سطح کلان: آخرین و فراگیرترین جنبه سرمایه اجتماعی، جنبه کلان است که شامل رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی می‌شود. به همین لحاظ در برخی مطالعات، این سطح از سرمایه اجتماعی، با عنوان نهادی^۲ هم معرفی می‌شود. این بخش از سرمایه اجتماعی به محیط اجتماعی و سیاسی می‌پردازد که به ساختارهای اجتماعی شکل می‌دهد و هنجارها را قابل توسعه می‌کند. رژیم سیاسی، سلطه قانون، نظام قضایی و آزادی‌های سیاسی و مدنی، نهادهایی است که از طریق آنها، سرمایه اجتماعی کلان شکل می‌گیرد. در سطح کلان اشاره به مفهوم سازمانی می‌کند و شامل روابط و ساختارهای رسمی (السن ۱۹۸۳) مانند قواعد قانونی، چارچوبهای قانونی، نظام سیاسی، میزان مشارکت در سیاست می‌باشد. (نزهاد و دیگران، ۲۰۰۷: ۸)^۴

البته لازم به ذکر است که سرمایه اجتماعی باز هم شاخص‌های فراوانی غیر از این شاخص‌ها دارد. مانند تقسیم بندی که گروه‌کندی در دانشگاه هاروارد انجام شده است سرمایه اجتماعی را به ابعاد زیر تقسیم نموده‌اند:

- ۱- اعتماد
- ۲- مشارکت سیاسی؛
- ۳- مشارکت و رهبری مدنی؛
- ۴- پیوندهای اجتماعی غیر رسمی؛
- ۵- بخشش و روحیه داوطلبی؛
- ۶- مشارکت مذهبی؛
- ۷- عدالت در مشارکت مدنی؛
- ۸- تنوع معاشرت‌ها و دوستی.

در اکثر مطالعات انجام گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی، آن را به دو بعد ساختاری و شناختی تقسیم بندی نموده‌اند. در بعضی از مطالعات بعد هنجاری نیز برای سرمایه اجتماعی قائل شده‌اند

1. NGO
2. Institutional
3. Olsan
4. Nezhad et al

که در واقع زیر مجموعه همان بعد شناختی سرمایه اجتماعی می‌باشد.

ابعاد سرمایه اجتماعی

ناهایپیت و گوشال سه جنبه متمایز برای سرمایه اجتماعی قائل اند:

۱. جنبه ساختاری شامل روابط شبکه‌ای، پیکربندی روابط شبکه‌ای و سازمان مناسب؛

۲. جنبه شناختی شامل زبان و اسطوره‌های مشترک؛

۳. جنبه ارتباطی شامل اعتماد، هنجارها، تعهدات و انتظارات متقابل و هویت مشترک (ناهایپیت، ۱۹۹۸).^۱

۱) بعد ساختاری^۲: شامل الگوی پیوندهای میان اعضای گروه و ترکیب سازماندهی این اعضای است. سلسله مراتب شبکه، تراکم و میزان همگنی گروه یا اعضای گروه از جمله شاخص‌های عمده بعد ساختاری هستند (سید نقوی، ۱۳۸۴: ۱۰۱) در واقع اشاره به الگوی کلی تماس‌های بین افراد دارد یعنی شما به چه کسانی و چگونه دسترسی دارید مهم‌ترین جنبه‌های این عناصر عبارتند از: روابط شبکه‌ای بین افراد، پیکربندی شبکه‌ای و سازمان مناسب (رونالد برت^۳، ۱۹۷۵: ۱۹۹۷). ارتباط سرمایه اجتماعی ساختاری بیشتر با شبکه‌هاست که از طریق آنها همکاری و به خصوص فعالیت‌های جمعی افراد دارای منافع متقابل^۴ شکل می‌گیرد. اینها همه منافی است که از سرمایه اجتماعی به دست می‌آید (شارع پور، ۶۴: ۱۳۸۶). مانند حضور یا عدم حضور میان بازیگران، مورفولوژی پیکربندی شبکه^۵. در واقع شکل سخت افزاری سرمایه اجتماعی چیزهایی است که قابل مشاهده هستند مانند شبکه‌ها انجمن‌ها و مؤسسات (کریشنا^۶ ۲۰۰۲ به نقل از وینگ^۷، ۲۰۱۰: ۳۲).

روابط ساختاری به سه نوع رابطه تقسیم می‌شود به این شرح:

۱. روابط شبکه‌ای: پیشنهاد اصلی تئوری سرمایه اجتماعی این است که روابط شبکه‌ای امکان دسترسی به منابع (مثل دانش) را فراهم می‌سازد. روابط اجتماعی، ایجاد کننده کانال‌های اطلاعاتی هستند

1. Nahapiet

2. Strutural

3. Burt

4. Mutually Beneficial Collective Action (MBCA)

5. Configuratiojn

6. Wing

که میزان زمان و سرمایه گذاری مورد نیاز برای گرد آوری اطلاعات را کاهش می‌دهد.
 ۲. پیکر بندی روابط شبکه‌ای: یک جنبه مهم سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد که می‌تواند بر توسعه سرمایه فکری تأثیر بگذارد. برای مثال سه ویژگی ساختار شبکه: تراکم، پیوند، و سلسله مراتب همگی از طریق تأثیر بر میزان تماس یا قابلیت دسترسی اعضای شبکه باعث انعطاف پذیری و سهولت تبادل اطلاعات می‌شوند. (ماکل و دیگران ۵: ۲۰۱۰)

۳. سازمان مناسب: سرمایه اجتماعی، از جمله روابط و پیوندها، هنجارها و اعتماد در یک محیط خاص، اغلب می‌تواند از یک محیط اجتماعی به محیط اجتماعی دیگری انتقال داده شود، بدین ترتیب بر الگوهای تبادل اجتماعی تأثیر گذارد. سازمان‌های اجتماعی مناسب می‌توانند یک شبکه بالقوه دسترسی به افراد منابع شان از جمله اطلاعات و دانش را فراهم کنند، و از طریق ابعاد شناختی و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی ممکن است انگیزش و قابلیت را برای تبادل تضمین کند (مشبکی، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

۲) بعد شناختی^۲: این بعد کمتر قابل اندازه گیری بوده و می‌توان آن را ارزش‌های مشترک در میان اعضای یک گروه دانست. در این بعد قرار دارند. سرمایه شناختی اشاره به ویژگی نرم افزاری سرمایه اجتماعی دارد مانند هنجارها، ارزش‌های مشترک، روابط متقابل و اعتماد، نگرش، باورها، فرهنگ شهری و.. (کریشنا ۲۰۰۲ به نقل از وینگ، ۲۰۱۰: ۳۲). به همین خاطر، بیشتر امری ذهنی و مفهومی نامحسوس است (آپهوف ۲۰۰۰، به نقل از شارع پور، ۱۳۸۶: ۶۴). اشاره به منابعی که به اشتراک گذاشته شده بیرون از چشم اندازه‌ها، و تفاسیر و سیستم‌های معانی و عمدتاً کد و روایت‌های مشترک^۳ ارزشها و دیگر عناصر فرهنگی (کریشنا به نقل از وینگ، ۵: ۲۰۱۰).

۳) بعد هنجاری^۴: به کیفیت تعاملات و ارتباط اعضا در درون یک گروه اشاره دارد. در این بعد شاخص‌هایی نظیر اعتماد و ارتباط متقابل مطرح است. بعد هنجاری را با عنصر رابطه‌ای سرمایه اجتماعی توصیف می‌کنند.

-
1. Macle et al
 2. Cognitive
 3. Uphoff
 4. Narratives shared
 5. Normative

عنصر رابطه‌ای سرمایه اجتماعی توصیف کننده نوعی روابط شخصی است که افراد با یکدیگر به خاطر سابقه تعاملاتشان برقرار می‌کنند این عنصر در واقع نوعی از روابط شخصی و توسعه تاریخ تعاملات از این طریق توصیف می‌کند. این جنبه بر جنبه‌های گوناگون رفتار مانند، احترام و دوستی تمرکز می‌کند که قابل معاشرت بودن، پذیرش^۱ و اعتبار^۲ را به وجود می‌آورد (ماکل، ۵: ۲۰۱۰).

مهم‌ترین جنبه‌های این رابطه عبارتند از: اعتماد، هنجارها، الزامات و انتظارات و هویت. ۱. اعتماد: تحقیقات نشان می‌دهد در جایی که روابط مبتنی بر اعتماد در سطح بالایی وجود دارند، تمایل زیادی برای تبادل اجتماعی و تعامل همکارانه با یکدیگر دارند.

۲. هنجارها: هنجارهای همکاری می‌توانند پایه ای قوی برای ایجاد سرمایه فکری به وجود آورند.

اهمیت هنجارهای اجتماعی صداقت و کار تیمی را به عنوان ویژگی‌های کلیدی یادآور می‌شود.

۳. الزامات و انتظارات: الزامات نشان دهنده یک تعهد یا وظیفه برای انجام فعالیتی در آینده است.

۴. هویت: هویت فرایندی است که در آن افراد احساس می‌کنند با فرد یا گروهی از افراد دیگر،

عضو یک گروه واحد هستند (ناهایت، ۱۹۹۸: ۲۴۲). حال با توجه به این سه بعد به بیان

شاخص‌ها و عناصری که در هر بعد قرار دارند می‌پردازیم.

جدول ۲: شاخص‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک ابعاد ساختاری، شناختی

بعد شناختی		بعد ساختاری
کیفیت روابط و تعامل اعضا	هنجارها	نقش‌ها و قواعد
ارتباط متقابل بین اعضا		
اعتماد اجتماعی		
ارزش‌ها		شبکه‌ها و روابط بین فردی
نگرش‌ها		رویه‌ها
باورها		روابط افقی
فرهنگ شهری		روابط عمودی
همبستگی و انسجام		ایجاد منافع مشترک
همکاری		پیوند اجتماعی

منبع: (ناهایت، ۱۹۹۸: ۲۴۲)

1. Acceptantion

2. Prsstige

اثربخشی

اثربخشی نیز هم چون سایر مفاهیم علمی راهی بس دراز را در پوششی از لفظ و معنا طی نموده است. از مدیریت علمی فردریک تیلور تا توماس پیترز و نهایتاً پیتر دراگر راهی طولانی طی شده است. در نظر کلی اثربخشی را می‌توان میزان دستیابی سازمان به اهداف پیش بینی شده خود دانست. نگاهی به سیر تاریخی نظریه اثربخشی سازمانی ما را در رسیدن به مبنایی دقیق و همچنین آشنایی با مراحل تکوین و توسعه این نظریه و رهنمون خواهد ساخت.

اثربخشی به طور مطلق یک لفظ مجرد بیش نیست؛ زمانی می‌توانیم اثربخشی را جامعیت ببخشیم و از یک معنای ذهنی و مجرد به یک مفهوم عینی تبدیل کنیم که برای آنها ملاک‌ها و معیارها و شاخصه‌هایی در نظر بگیریم علمای مدیریت هر کدام رویکردهایی را برای اثربخشی برشمرده‌اند (رایبزر ۱۹۸۹) که چهار رویکرد معروف آنها عبارتند از:

الف. رویکرد نیل به هدف ب. رویکرد سیستمی ج. رویکرد ذی نفعان استراتژیک و د. رویکرد ارزش‌های رقابتی.

با توجه به اینکه در این پژوهش اثربخشی نیروی انتظامی با رویکرد نیل به هدف مورد سنجش قرار گرفته است به شرح مختصری از این رویکرد می‌پردازیم.

یک سازمان به منظور تحقق هدف ویژه‌ای، ایجاد شده است. بنابراین جای تعجب نیست که حصول هدف به طور وسیعی به عنوان معیار سنجش اثربخشی، مورد استفاده واقع شود.

رویکرد نیل به هدف: چنین اظهار می‌دارد که اثربخشی سازمانی باید برحسب میزان تحقق اهداف آن، نه وسایل یا امکانات (فرآیندها) به کار گرفته شده برای دستیابی به اهداف، سنجیده شود. معیار نیل به هدف، مواردی از قبیل: حداکثر نمودن سود، واداری دشمن به تسلیم، برنده شدن در بازی بسکتبال، بهبود بیماری و برگشت سلامت جسمانی و نظائر اینها را در بر می‌گیرد. آنچه در تمامی موارد ذکر شده، مشترک می‌باشد، این است که همه آنها نتایج نهایی که سازمان به منظور تحقق آنها ایجاد می‌شود را مدنظر قرار می‌دهند.

پیش فرض‌های رویکرد نیل به هدف:

رویکرد نیل به هدف چنین فرض می‌کند که سازمان‌ها، پدیده‌هایی عقلایی بوده و در پی تحقق

هدفند. براین اساس دستیابی موفقیت آمیز به هدف، معیاری مناسب برای سنجش اثربخشی است. اما استفاده از هدف به عنوان یک معیار اثربخشی مستلزم پیش فرض‌های دیگری است، که باید این پیش فرض‌ها معتبر باشند تا تحقق هدف بتواند به عنوان معیار اثربخشی سازمانی مورد استفاده قرار گیرد. اولاً؛ اینکه سازمان‌ها باید اهداف نهایی داشته باشند ثانیاً؛ اینکه این اهداف بایستی مشخص بوده و برای اینکه به خوبی درک شوند باید تعریف شوند ثالثاً؛ اهداف باید در حد امکان قابل کنترل و اداره باشند. رابعاً؛ روی اهداف باید اجماع یا توافق عمومی صورت گرفته باشد. نهایتاً؛ اینکه؛ پیشرفت به سوی این هدف باید قابل اندازه‌گیری باشد.

رویکرد نیل به هدف در عمل:

در صورت معتبر بودن پیش فرض‌های فوق مدیران چگونه خواهند توانست رویکرد نیل به هدف را عملی سازند. تصمیم‌گیرندگان کلیدی می‌توانند اهداف سازمان را بیان کرده و مشخص سازند. به محض تعیین اهداف، ضروری است ابزار سنجش تحقق این اهداف نیز تدارک دیده شوند تا چگونگی دستیابی به این هدف نیز به خوبی روشن گردند.

برای مثال اگر هدفی که همه آن را پذیرفته‌اند (اجماع هدف) حداکثر امنیت باشد، معیارهایی نظیر: کاهش جرائم احساس امنیت و یا دیگر معیارهای مشابه، می‌توانند به عنوان ابزار سنجش در این زمینه انتخاب شوند. رویکرد نیل به هدف بیشتر در مدیریت بر مبنای هدف تجلی پیدا می‌کند. مدیریت بر مبنای هدف، فلسفه شناخته شده‌ای در مدیریت است که در آن، سازمان و اعضا بر اساس چگونگی تحقق اهدافی که سرپرستان و زیردستان به طور مشترک آنها را تعیین نموده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

اهدافی که در مدیریت بر مبنای هدف تعیین می‌شوند، ملموس، قابل تحقق و سنجش پذیر هستند. شرایطی که این اهداف می‌توانند در آن محقق شوند نیز مشخص می‌گردند. حد و حدودی که یک هدف باید تحقق یابد نیز مشخص می‌شود. سپس عملکرد واقعی اندازه‌گیری شده و با اهداف از پیش تعیین شده مقایسه می‌گردد. چون ممکن است سازمان به اهدافی که برای خود معین کرده دست یافته و یا به آنها نرسد، مدیریت بر مبنای هدف را می‌توان ابزاری برای تشخیص

اثربخشی در رویکرد نیل به هدف دانست. (رابینز ۱۳۹۰: ۵۴-۵۶)

شاخص‌های سنجش اثربخشی در تحقیق فوق مطابق با رویکرد نیل به هدف به شرح جدول (۳) بوده است.

جدول ۳: شاخص‌های سنجش اثربخشی در نیروی انتظامی

شاخص‌ها	اثربخشی
- پاسخگویی در مقابل عملکرد	- تحقق اهداف سازمانی
- درجه تحقق اهداف جمعی	- درجه تحقق اهداف فردی
- انجام درست وظایف محوله	- مسوولیت پذیری پرسنل
- مبارزه با افراد خاطی	- حفاظت از اماکن و تأسیسات مهم
- اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی	- پیش‌گیری و کاهش جرم
- حضور به موقع در صحنه‌های جرم	- ایجاد توسعه زمینه‌های فرهنگی
- عمل به ضوابط و مقررات قانونی	- گشت‌های منظم پلیس
- سالم سازی محیط‌های عمومی از مجرمان	- برخورد قاطع با مجرمان
	- تعهد به وظایف
	رویکرد نیل به هدف

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- به نظر می‌رسد که بین اعتماد اجتماعی شهروندان و اثر بخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد که بین شرکت در انجمن‌های داوطلبانه شهروندان و اثر بخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد که بین احساس هویت شهروندان و اثر بخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد که بین احساس امنیت شهروندان و اثر بخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد که بین مشارکت اجتماعی شهروندان و اثر بخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد که بین سرمایه اجتماعی شهروندان و اثر بخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد که بین سرمایه اجتماعی شهروندان و میزان کمی جرائم در شهر یاسوج رابطه وجود دارد.

روش

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است و که در پی دستیابی به اهداف علمی انجام می‌پذیرد؛ دانشی که از این طریق به دست می‌آید راهنما و دستورالعملی برای فعالیت‌های علمی خواهد بود. با توجه به اهداف تحقیق روش توصیفی پیمایشی برای این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. روش و ابزار گردآوری اطلاعات: جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی و پرسشنامه استفاده شده است. برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر اثربخشی سازمانی از روش پیمانی استفاده شده که در آن پرسشنامه سنجش سرمایه اجتماعی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به میزان سرمایه اجتماعی استفاده شده است. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شهروندان (۱۸ ساله به بالا تا ۶۰ ساله‌ها) محدوده جغرافیایی کلانتری‌های ۱۱ و ۱۲، ۱۳ و ۱۴ شهر یاسوج در سال ۱۳۹۰ می‌باشد که تعداد آنان بر اساس آخرین اطلاعات به ترتیب هر محدوده برابر با ۵۰۰۰۰ نفر است که در مجموع دویست هزار نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه برای هر یک چهار محدوده جغرافیایی ۳۸۱ نفر به دست آمد. که در مجموع در محدوده هر چهار کلانتری ۱۵۲۴ نمونه انتخاب گردید. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است.

روائی یا اعتبار ابزار اندازه‌گیری:

روایی یا اعتبار ابزار از نوع روایی وابسته به محتوا با استفاده از نظرات کارشناسان بوده که معمولاً برای بررسی اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه‌گیری به کار می‌رود و در واقع با قضاوت و داوری افراد متخصص سؤالات طراحی و مورد پرسش قرار گرفته است.

برای رفع نقایص و ابهامات پرسشنامه، از روش پیش آزمون (pretest) استفاده شد. در این پیش آزمون ۶۰ نفر از یک محدوده مورد نظر به طور تصادفی به سؤالات پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل یافته‌های پیش‌آزمون بعضی نواقص را در پرسشنامه آشکار ساخت که با بررسی دقیق این نواقص برطرف شدند و بدین ترتیب پرسشنامه نهایی تهیه شد. تحلیل روایی گویه‌های موجود بر اساس پایداری درونی و با استفاده از تحلیل روایی «آلفای کرونباخ» صورت گرفته است. این ضریب بین صفر و یک متغیر بوده و کمیت صفر، مبین عدم روایی و یک، مبین روایی کامل

سؤالات می‌باشد. تعریف ریاضی و آماری این ضریب به شرح زیر است:

$$a = \frac{N\bar{\varphi}}{1 + \bar{\varphi}(N-1)}$$

N : تعداد سؤالات:

$\bar{\varphi}$: میانگین همبستگی بین سؤالات

a : ضریب روایی کرونباخ آلفا

یافته‌ها

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش برای بخش آمار توصیفی از جدول فراوانی، جدول دویعدی، نمودار میله‌ای و آماره‌های توصیفی استفاده شده و در بخش آمار استنباطی نیز با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری استفاده شده است.

جدول ۴: مقایسه میانگین‌های میزان جرائم گزارش شده در کلانتری‌های شهر یاسوج

بر اساس مناطق چهارگانه

محل/آماره	محدوده کلانتری ۱۱	محدوده کلانتری ۱۲	محدوده کلانتری ۱۳	محدوده کلانتری ۱۴	کل
میانگین (درصد)	۴۱	۳۱	۱۸	۱۰	۱۰۰

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که میزان جرائم گزارش شده در محدوده کلانتری ۱۱، بیشتر از سایر مناطق می‌باشد و این میزان در محدوده کلانتری ۱۴ کمتر از محدوده کلانتری ۱۲ و ۱۳ می‌باشد.

جدول ۵: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون مولفه‌های سرمایه اجتماعی

و اثربخشی در محدوده شهر یاسوج (مناطق چهارگانه):

متغیر	اعتماد اجتماعی	احساس امنیت	میزان مشارکت اجتماعی	میزان عضویت	احساس هویت اجتماعی	میزان سرمایه اجتماعی
اثربخشی نیروی انتظامی	ضریب پیرسون	۰،۱۰۳	۰،۰۰۵	۰،۰۴۷	۰،۱۱۰	۰،۲۴۷
	سطح معنی‌داری	۰،۰۰۲	۰،۰۰۲	۰،۰۳۵	۰،۰۰۰	۰،۰۴۱
	تعداد	۸۶۲	۱۳۱۳	۱۰۱۶	۱۰۵۲	۱۲۶۹

جدول (۵) نتایج آزمون همبستگی پیرسون گویای آن است که رابطه معنی‌دار در نمونه مورد بررسی شده بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان عضویت، احساس امنیت و میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان ساکن در محدوده شهر یاسوج و میزان اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج وجود دارد. و همین طور در نمونه مورد بررسی شده بین میزان احساس هویت پاسخگویان ساکن در محدوده شهر یاسوج و میزان اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه معنادار وجود نداشته است. لازم به ذکر است که بین میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان محدوده شهر یاسوج و میزان اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج رابطه معنادار وجود دارد. بدین صورت که هر چه میزان سرمایه اجتماعی در این محدوده بیشتر باشد به همان نسبت میزان اثربخشی بیشتر خواهد شد.

جدول ۶: ضریب همبستگی برای آزمون میزان سرمایه اجتماعی و اثربخشی در محدوده کلانتری‌های شهر یاسوج (مناطق چهار گانه):

متغیر	میزان سرمایه اجتماعی در محدوده کلانتری ۱۱	میزان سرمایه اجتماعی در محدوده کلانتری ۱۲	میزان سرمایه اجتماعی در محدوده کلانتری ۱۳	میزان سرمایه اجتماعی در محدوده کلانتری ۱۴	میزان سرمایه اجتماعی در محدوده کل شهر
اثربخشی نیروی انتظامی	ضریب پیرسون	۰,۲۱۱	۰,۳۸۹	۰,۳۶۹	۰,۳۱۲
	سطح معنی‌داری	۰,۰۴۰	۰,۰۰۰	۰,۰۱۰	۰,۰۳۰
	تعداد	۱۹۱	۱۷۷	۱۴۴	۱۲۵
					۶۳۷

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد رابطه معنی‌دار در نمونه‌های مورد بررسی شده بین میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان محدوده‌های کلانتری یازده، دوازده، سیزده و چهارده (کل محدوده شهر یاسوج) و میزان اثربخشی نیروی انتظامی وجود دارد. و همه این رابطه‌ها رابطه مثبت و مستقیم بوده که نشان می‌دهد که هر چه سرمایه اجتماعی مردم بالاتر میزان اثربخشی نیروی انتظامی هم بالاتر خواهد بود.

جدول ۷: بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی مردم مناطق چهار گانه کلانتری‌های شهر یاسوج با میزان جرائم گزارش شده از این مناطق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون:

متغیرها	مقدار	سطح معناداری
میزان سرمایه اجتماعی	-۰,۹۷۳	۰,۰۲۷*
میزان جرائم گزارش شده		

جدول ۸: نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر اثربخشی

ردیف	نام متغیر	B	SEB	Beta	t	P
۱	Constant = عدد ثابت	۵,۰۷۸	۰,۲۲۷	-	۲۲,۳۶۱	۰,۰۰۰
۲	۱X = اعتماد اجتماعی	۰,۲۷۰	۰,۰۶۷	۰,۱۵۳	۴,۰۲۵	۰,۰۰۰
۳	۲X = احساس امنیت	۰,۰۳۴	۰,۰۱۰	۰,۱۲۶	۳,۳۳۱	۰,۰۰۱
۴	۳X = میزان مشارکت اجتماعی	۰,۵۴۷	۰,۰۸۵	۰,۲۴۲	۶,۴۰۶	۰,۰۰۰
۵	۴X = میزان عضویت	۰,۰۵۶	۰,۰۱۴	۰,۱۵۴	۴,۰۷۸	۰,۰۰۰
۶	۵X = احساس هویت	۰,۰۰۵	۰,۰۲۷	۰,۰۰۷	۰,۱۹۴	۰,۸۴۶
		۲R=۰/۱۳ F=۱۸/۴۰۹ >۰P/۰۰۰		R=۰/۳۶		

y = متغیر وابسته

B = ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده

Beta = ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده

SEB = ضریب اشتباه برآورد

t = تأثیر بین حضور هر متغیر مستقل در مدل

p = سطح معنی داری تأثیر نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل

رگرسیون چندمتغیری:

برای فهم تأثیر همزمان متغیرهای مختلف بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. تحلیل رگرسیونی از بهترین روش های تحلیلی است که تأثیرهای مشترک و مجزای متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته ارزیابی و سنجش می کند. جهت پیش بینی و تعیین میزان متغیر وابسته، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

جدول شماره (۸) رگرسیون چند متغیری به روش توأم را نشان می دهد. مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها ۰/۳۶ می باشد که نشان می دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (میزان اثربخشی) همبستگی نسبتاً خوبی حکم فرما می باشد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰/۱۲ می باشد، نشان می دهد که ۱۲ درصد از کل تغییرات میزان اثربخشی وابسته به ۵ متغیر مستقل ذکر شده در این معادله می باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل، نزدیک به یک دهم واریانس متغیر اثربخشی را پیش بینی یا برآورد می کنند.

با توجه به معنی داری مقدار آزمون $F(18/40)$ در سطح خطای کوچکتر از $0/01$ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۵ متغیر مستقل (میزان مشارکت اجتماعی، میزان عضویت در فعالیت‌های داوطلبانه، میزان اعتماد اجتماعی، احساس هویت، احساس امنیت) و متغیر وابسته (میزان اثربخشی) مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادراند تغییرات اثربخشی را تبیین کنند.

براساس نتایج این تحلیل رگرسیون، تأثیر چهار متغیر (میزان مشارکت اجتماعی)، (میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه)، (اعتماد اجتماعی) و (احساس امنیت) بر میزان اثربخشی معنی دار است. اما متغیر احساس هویت به خاطر اینکه سطح خطای مقدار آنها بالاتر از $0/05$ می‌باشد، نشان دهنده این است که متغیر مذکور بر متغیر میزان اثربخشی تأثیر نداشته‌اند. متغیرهای میزان مشارکت اجتماعی (با ضریب تأثیر $0/240$)، میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه (با ضریب تأثیر $0/154$)، میزان اعتماد اجتماعی (با ضریب تأثیر $0/153$)، احساس امنیت (با ضریب تأثیر $0/126$)، به ترتیب از ضرایب تأثیر رگرسیون استاندارد شده و معنادار بر متغیر وابسته یعنی میزان اثربخشی برخوردار بوده‌اند.

بنابراین نتیجه مقدماتی که در این قسمت می‌توان ارائه داد این است که متغیرهای میزان مشارکت اجتماعی و میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، میزان اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت چهار متغیر تأثیرگذار بر میزان اثربخشی در این پژوهش می‌باشد. به طوری که هرچه میزان مشارکت اجتماعی و میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، میزان احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در بین مردم بیشتر و بالاتر می‌باشد میزان اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج بیشتر خواهد شد. جدول زیر، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر میزان اثربخشی نیروی انتظامی را نشان می‌دهد:

بحث و نتیجه‌گیری

نقش شرایط اجتماعی و تعارضاتی که در چارچوب آن به وقوع می‌پیوندد، انکار ناپذیر است. با توجه مبانی نظری عوامل مختلفی بر اثربخشی و جرم اثرگذار می‌باشد، اما از مجموع عوامل موجود ما

تأثیر سرمایه اجتماعی را واکاوی نمودیم، که در این مقاله از جنبه نظری به آن پرداخته شده است؛ در این قسمت به بحث پیرامون برخی مولفه‌های سرمایه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل اصلی، اثرگذار این تحقیق بر اثربخشی و جرم پرداخته می‌شود. همان‌گونه که از یافته‌های تحقیق مشخص گردید، مؤلفه‌ها و متغیرهای مؤثر بر اثربخشی در تحقیق حاضر اثرات گوناگونی داشته که در برخی متغیرها بر روی یک متغیر مشخص اثرات مثبت، و یا فاقد رابطه داشتند که البته این امر ممکن است دلایل گوناگونی داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به زمان‌های متفاوت اجرای تحقیق، جامعه آماری، شیوه‌ها و روش متفاوت عملیاتی نمودن مفاهیم و یا نمونه‌گیری اشاره داشت. اما در مجموع علی‌رغم تفاوت‌های نتایج، همسانی‌ها و فراوانی‌های بیشتری بر روی برخی از روابط در بین متغیرها به شرح ذیل وجود دارد.

مهم‌ترین سؤالی که در این تحقیق به دنبال پاسخ آن هستیم این سؤال است که آیا در درجه اول بین سرمایه اجتماعی و اثربخشی رابطه‌ای وجود دارد؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و اثربخشی در میان پاسخگویان رابطه وجود دارد و این رابطه مثبت است. البته در بررسی تحقیقات پیشین به موردی که تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را بر اثربخشی نیروی انتظامی مورد سنجش قرار و نتیجه دست نیافتیم. با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های اثربخشی در ناجا کاهش جرائم و ایجاد و افزایش امنیت می‌باشد، این موضوع در کانون توجه این تحقیق قرار گرفت. در مجموع، جرم و به طور کلی نابهنجاری اجتماعی یکی از مواردی است که در ادبیات نظری سرمایه اجتماعی متأثر از سرمایه اجتماعی دانسته شده است، و تحقیقات متعددی نیز در این زمینه انجام گرفته و نتیجه کلی آنها نشانگر تأثیر کاهنده سرمایه اجتماعی بر میزان وقوع جرایم می‌باشد (مسنر ۲۰۰۴: ۳) نتایج این تحقیق نیز به صورت کاربردی این موضوع را به خوبی تبیین می‌نماید.

براساس نتایج این تحقیق، تأثیر چهار متغیر (میزان مشارکت اجتماعی)، (میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه)، (اعتماد اجتماعی) و (احساس امنیت) بر میزان اثربخشی معنی‌دار است. اما متغیر احساس هویت به خاطر اینکه سطح خطای مقدار آنها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشان دهنده این است که متغیر مذکور بر متغیر میزان اثربخشی تأثیر نداشته‌اند. متغیرهای میزان

مشارکت اجتماعی (با ضریب تاثیر ۰/۲۴۰)، میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه (با ضریب تاثیر ۰/۱۵۴)، میزان اعتماد اجتماعی (با ضریب تاثیر ۰/۱۵۳)، احساس امنیت (با ضریب تاثیر ۰/۱۲۶)، به ترتیب از ضرایب تأثیر رگرسیون استاندارد شده و معنادار بر متغیر وابسته میزان اثربخشی برخوردار بوده‌اند.

بنابراین نتیجه‌ای که در این قسمت می‌توان ارائه داد این است که متغیرهای میزان مشارکت اجتماعی و میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، میزان اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت چهار متغیر تأثیرگذار بر میزان اثربخشی در این پژوهش می‌باشد. به طوری که هرچه میزان مشارکت اجتماعی و میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، میزان احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در بین مردم بیشتر و بالاتر می‌باشد میزان اثربخشی نیروی انتظامی شهر یاسوج بیشتر خواهد شد.

بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان جرائم گزارش شده رابطه معنادار بسیار قوی و معکوس وجود دارد. به تفسیری دیگر اینکه در مناطق چهار گانه‌ای که ساکنانش دارای میزان سرمایه اجتماعی بالاتری بوده میزان جرائم گزارش شده در مناطق چهار گانه مذکور بسیار پایین بوده و برعکس آن مناطقی که ساکنانش دارای میزان سرمایه اجتماعی پایینی بوده میزان جرائم در آن محدوده بالا گزارش شده است. فوکویاما نیز در تحقیقاتش اذعان داشته که بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی و معکوسی وجود دارد، یعنی هرچه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، میزان جرم افراد و جامعه کمتر است که این تحقیق نیز گواه این ادعا است.

هرچند نمی‌توان توسعه اجتماعی و امنیتی را به لحاظ مفهومی به سرمایه اجتماعی تقلیل معنایی داد، اما بدون تردید می‌توان قضاوت کرد که سرمایه اجتماعی بخش مهمی از فضای مفهوم توسعه اجتماعی و امنیتی را پوشش می‌دهد (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۴۴). همچنین وجود سرمایه اجتماعی شرط لازم و نه کافی برای اثربخشی سرمایه‌ها و سیاست‌های اقتصادی است. بررسی دقیق‌تر سرمایه اجتماعی، ما را به این مطلب می‌رساند که بدون وجود این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد. افراد مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی و آینده‌سازان جامعه هستند. و در صورت نابهنجاری و افزایش جرم به نیروی منفی عظیمی مبدل می‌شوند. آگاهی و اطلاع از میزان

سرمایه اجتماعی آنان و دانستن نوع ارتباط آن و حتی نوع سرمایه اجتماعی افراد (مثبت یا منفی) بانحوی تعریف و برداشت آنان و از جنبه‌های اجتماعی هویتی خویش برای هر نوع برنامه ریزی اجتماعی و فرهنگی آنان لازم و ضروری است.

پیامدهای مثبت افزایش و پیامدهای منفی کاهش سرمایه اجتماعی از سوی پژوهشگران مختلف به اثبات رسیده است. آنان سرمایه اجتماعی را اساس هویت، شناسایی و اعتبار جامعه می‌دانند. افزایش سطح بی‌اعتمادی در جامعه، کاهش سطح تعهد اجتماعی، پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی معلول کاهش سرمایه اجتماعی است (پاتنام ۱۹۹۰، کلمن ۱۹۹۸، فوکو یاما ۱۹۹۷).

پیشنهادهای زیر به منظور تقویت سرمایه اجتماعی ارائه می‌گردد:

- ۱- تقویت گروه‌های داوطلبی از جمله انجمن‌های علمی آموزشی در جامعه، خصوصاً قشر جوان می‌تواند در تشویق افراد به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت‌های افقی و عمودی موثر واقع شوند و همکاری نزدیک میان سازمان‌های غیردولتی (NGO) با نیروی انتظامی تأثیر انکارناپذیری بر اثربخشی این نیرو داشته باشد.
- ۲- ارائه آموزش‌های عمومی به مردم در خصوص نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار، تقویت فرهنگ عمومی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، سلامت اجتماعی، افزایش انسجام اجتماعی و.. می‌تواند بر اثربخشی نیروی انتظامی تأثیر بسیار مهمی داشته باشد.
- ۳- تقویت مدیریت عملکرد در نیروی انتظامی می‌تواند اعتماد مردم را بالا برده و از این طریق بر میزان سرمایه اجتماعی در جامعه بیفزایند. چرا که مشاهده هرگونه نارسایی از سوی دستگاه‌های مربوطه کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه منجر خواهد شد.
- ۴- توجه مدارس و دانشگاه‌ها در زمینه ایجاد و تقویت احساس تعلق جمعی و گروهی در بین دانش آموزان و دانشجویان، تأثیر انکارناپذیری بر ارتقای سرمایه اجتماعی دارد.
- ۵- تشویق به گسترش شبکه ارتباطی و فعالیت گروهی و جمعی در بین مردم (از طریق صدا و سیما) و حمایت نیروی انتظامی از این شبکه‌ها می‌تواند تأثیر مثبتی بر ارتقای سرمایه اجتماعی و اثربخشی نیروی انتظامی ایفا نماید.

۶- در فضای انجام کار پلیسی برخورداری از مهارت‌های برنامه ریزی ساز ماندهی اجرا و ارزیابی برای کار پلیسی حیاتی است و برنامه پیشگیری از جرم با طراحی محیطی ابزار مناسبی است که اهداف پیشگیری از جرم را در جامعه تسهیل می‌کند.

۷- ماهیت کار پلیس تصمیم‌گیری اخلاقی و گره‌گشایی انتظامی را طلب می‌کند پس تصمیمات در نیروی انتظامی باید بر مبنای منشور اخلاقی استقرار گردد تا بر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت داشته باشد.

۸- پلیس باید مهارت‌های لازم برای همکاری با اқشار متنوع جامعه و رفع مشکلات ناشی از جنایت و بی‌نظمی را فرا گیرد.

۹- آموزش نیروهای پلیس به معنی تغییر کامل از شیوه پلیس سنتی که در آن وظیفه پلیس فقط در جواب دادن به بی‌سیم و رویدادهای اعلامی از طرف مردم خلاصه می‌شود به پلیس جامعه محور با توانایی مهارت‌های حل مشکل به صورت نهادینه تغییر یابد.

۱۰- تعامل مثبت نیروی انتظامی با سازمان‌ها و نهادهای دیگر می‌تواند توان پلیس را از طریق مشارکت نهادهای دیگر ارتقا داده و سطح اثربخشی نیروی انتظامی را افزایش دهد.

۱۱- ایجاد ارتباط یک رویداد نیست بلکه فرایند پیچیده‌ای است که اطلاعات از طریق آن مبادله می‌شود پس مهارت‌های ارتباطی برای هر مأمور پلیس ضروری است و پلیس باید با فرایندهای ارتباط بین فرهنگی حل و فصل درگیری‌ها و ارتباطات مبتنی بر تدبیر عمل نمایند.

۱۲- مسئولان و برنامه ریزان ناجا می‌بایست در خصوص تکریم و احترام شهروندان و با توجه به نظر و خواسته‌های آنها در برنامه ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت ارتقا اثربخشی خود اقدام عاجل نمایند.

۱۳- تدوین شاخص‌هایی برای نیروی انتظامی که سطح عملکرد آن را بتوان دقیق سنجید، از جمله راهکارهای ارتقای اثربخشی آن می‌باشد.

۱۴- نیاز به حضور به موقع پلیس ۱۱۰ و در دسترس بودن آن از نظر شهروندان به عنوان تکیه‌گاه امنیتی مطرح است علاوه بر خدمات دهی ۱۱۰ باید در تقویت و توسعه این سیستم بررسی و ارزیابی نقاط ضعف آن به حداقل برسد.

۱۵- شایسته است تجهیزات و لوازم و روش‌های برقراری نظم و امنیت را ارتقا بخشد و همزمان با فناوری‌های روز پیشرفت و کمیت و کیفیت آن را ارتقا بخشد.

۱۶- سازمان پلیس نیاز مند به کارگیری ساز و کارهای جدیدتری است که پلیس اجتماعی محور یکی از آنهاست. پلیس اجتماعی محور یکی از راهبردهای نوین سازمان پلیس در جوامع مدرن است که اصولاً مبتنی بر مشارکت دادن شهروندان در فرایندهای انتظامی امنیتی است که با اقبال فراوانی در همه جوامع به خصوص ایران مواجه شده است. این پلیس ضمن کاستن از سوء ظن‌های معمول مجموعه‌ای از برنامه‌ها مربوط به تقویت تعاملات اجتماعی پلیس و گروه‌های اجتماعی به خصوص در اقشار آسیب پذیر مانند زنان و کودکان و سالمندان را از طریق گوناگون همچون تشکیل انجمن‌های مشورتی، محله‌ای و با تأکید بر حل مسئله از طریق گفتگو مورد استفاده قرار دهد.

۱۷- پلیس جامعه محور وظایف دیگری چون کاستن از احساس نا امنی کاهش تعداد شکایت علیه خود و افزایش اطلاعات انتظامی را از طریق اطلاع رسانی و جلب مشارکت شهروندان برعهده گیرد که موجب افزایش رضایت مردم از پلیس و ارتقای میزان اعتماد عمومی و بالاخره تغییر در میزان کارایی و اثربخشی پلیس شده است که می‌بایست در این مسیر گام‌های عملی برداشت.

منابع

1. Azkia, M. , & Ghaffari, M. (1387). Sociology of the revised general Vazafat reforms, Tehran, Keyhan, (70).
2. Putnam, R. (1380). Guys and civic democracy, translated by Mohammad Taghi delightful, Tehran Salam. 126.
3. Putnam, R. (1380). Guys and civic democracy, translated by Mohammad Taghi delightful, Tehran Salam. 126.
4. Bliss, R. (1385) estimates the level and distribution of social capital Provincial Social Welfare Quarterly, No. 23 0.17. 195.
5. Share Poor, M. (1389). The relationship between social capital and sports participation Babylonian citizens, the Quarterly, No. 11, Tehran University.
6. Share Poor, M. (1381). The roots of social capital, Management and Planning Organization of Mazandaran.

7. Share Poor, M.(1383).The erosion of social capital and its implications, Geological Society of letters, No.3.
8. Share Poor, M.(1383). Dimensions of social capital Vpyamdhay Vkarkrdhay erosion of social issues in Iran Iranian Sociological Association Proceedings Tehran: Agah.
9. Share Poor, M.(1385). Social capital: conceptualization, measurement and policy implications. Mazandaran.
10. Abdullahi, M., & Myrtahrmvsy. (1386). Social Capital Limited, the status quo, to the future outlook of Transition: Social Welfare, Sixth Year, No. 233-195.
11. Fukuyama, F.(1379). The order, the maintenance of social capital. Translated Tavassoli GA. Tehran: Iranian community.
12. Krishna, A. (1385). Measuring social capital, social capital book, trust and democracy to Tehran: Tajbakhsh efforts, translators Hsnpyvan Vafshyn Khakbaz headband publication.
13. Coleman, J. (1385). The role of social capital in the creation of human capital, social capital book, trust Vmtrjrm Hsnpyvan Vafshyn Khakbazan, Tehran: Nshrshyraz-h "democracy efforts Tajbakhsh.
14. Coleman, J. (1377). Foundations of Social Theory, translated by M. patience.
15. Mlahsny, A. (1381). Relationship between social capital and religiosity of students across the province, MSc thesis,
16. Miller, L., & Vhs, S., & Caron, M. (1382). Community Police, M Kelleher, Tehran, Danshgam police science.
17. Miller, L., & Vhs, S., & Caron, M. (1382). Community Police, M Kelleher, Tehran, Danshgam police science.
18. Vlkak, M., & Vedi, P.(1385). Vtbat social capital for development theory, research, policy, efforts Tajbakhsh Translator Hsnpyvan Vafshyn Khakbaz Tehran, Nshrshyraz-h.
19. Macke, J(2006), Programas de Responsabilidade SocialCorporativa e CapitalSocial: contribuição para o desenvolvimento local? Tesis (Doctorate),Universidade.Federal do Rio Grande do Sul, Porto Alegre.
20. Macke.J(2007). Collective Competence and Social Capital Analysis in Collaborative Networks. Strategic Management Journal, v. 24, n.10, pp. 7. oct.
21. Nahapiet, J and. Ghoshal, S (1998) "Social capital, intellectual capital and the organizational advantage", Academy of Management Review, vol. 23(2), pp. 242-266.
22. Putnam, R (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. New York: Simon and Schuster.
23. Fukuyama. F (1995). Social capital at world bank. Strateghc and operational implications of the concept.
24. Fukuyama, F. (1999). Social Capital and Civil Society. Paper Presented at the Conference on Second Generation Reform. Washington: International MonetaryFund.